

## غربال‌گری فازی بازدارنده‌های آموزشی توسعه‌ی کارآفرینی روستایی استان گیلان

مسعود گلدوست<sup>۱</sup>، محمد صادق اللهیاری<sup>۲</sup>، محمد عابدی<sup>۳</sup>

۱ و ۲- به ترتیب دانش‌آموخته و دانشیار مدیریت کشاورزی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی

۳- استادیار مدیریت کشاورزی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده

هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل بازدارنده‌های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی در استان گیلان است. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش دلفی در دو مرحله، به بررسی بازدارنده‌های آموزشی موجود در مسیر توسعه کارآفرینی روستایی در استان گیلان پرداخته است. در دور نخست، از پرسشنامه با پرسش‌های باز پاسخ استفاده شد. در دور دوم، بر پایه نتایج مرحله نخست، از پرسشنامه‌ی بسته پاسخ در قالب طیف لیکرت هفت سطحی استفاده شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش ۳۳ تن کارشناسان خبره و هیأت علمی کارآفرینی دانشگاهی استان گیلان بودند. محاسبه ضریب هماهنگی کندال در پایان مرحله دوم مبنای توافق سنجی و اجماع نظر بین کارشناسان برای معرفی بازدارنده‌های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی بود. رتبه بندی بازدارنده‌ها بر پایه اهمیت و با استفاده از روش غربالگری فازی انجام پذیرفت. نتایج نشان دادند که نداشتن شناخت مسئولان اجرایی استان از مفهوم کارآفرینی، نبود نظام آموزش کارآفرینی و ناآشنایی مردم روستایی با اصول طراحی و راه‌اندازی کسب و کارهای جدید و کارآفرینانه بیشترین نقش را در توسعه نیافتن کارآفرینی روستایی در استان گیلان به عهده دارند. با تحلیل بازدارنده‌های آموزشی موثر بر توسعه نیافتن کارآفرینی روستایی در استان گیلان، امکان دست‌یابی به نقشه‌ی راه کارآفرینی و برخورداری از فرصت‌های کارآفرینانه فراهم خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** آموزش کارآفرینی، بازدارنده‌های کارآفرینی، توسعه روستایی، غربال‌گری فازی

نویسنده‌ی مسئول: محمد صادق اللهیاری

رایانامه: [allahyari@iaurasht.ac.ir](mailto:allahyari@iaurasht.ac.ir)

دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲؛ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲۳

## مقدمه

بانک جهانی در گزارشی از بخش کشاورزی ایران به عنوان موتور رشد اقتصادی کشور یاد کرده است تا با تولید غذای مورد نیاز یکصد میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ باعث حرکت اقتصادی کشور و کاهش فقر شود (بانک جهانی، ۲۰۰۴). اما آنچه از ترسیم وضعیت توسعه یافتگی روستاهای استان گیلان به دست می‌آید، این است که فاصله وضع موجود تا وضع مطلوب به حدی است که نمی‌توان این شکاف را با جریان عادی اقدام‌ها و برنامه‌ریزی پرکرد.

بنابراین، باید در نظریه‌های اقتصادی به فعالیت‌های خودجوش اقتصادی با عنوان «کارآفرینی در مناطق روستایی» توجه ویژه‌ای شود (افتخاری و سجاسی، ۱۳۸۹). کارآفرینی روستایی در استان گیلان تحت تاثیر عامل‌های مختلفی است. عامل‌های موثر بر توسعه‌ی کارآفرینی یا بازدارنده‌ی آن هر کدام به گونه‌ای کارآفرینی را متاثر می‌سازند (دلجوی، ۱۳۹۱).

با تحلیل بازدارنده‌های موثر بر این حوزه علمی، امکان دست‌یابی به نقشه‌ی راه کارآفرینی برای بر خورداری از فرصت‌های کارآفرینانه فراهم می‌شود. برون‌رفت از وضعیت کنونی و دست‌یابی به جامعه‌ای کارآفرین در شرایطی که این حوزه علمی در ایران به صورت عام و در گیلان به صورت خاص دوران کودکی خود را می‌گذراند (موسوی بازگانی، ۱۳۸۶)، مقدور نخواهد بود، مگر در راستای آموزش.

سلجوقی (۱۳۸۷)، برای تحقق این مهم پیشنهاد می‌کند که دولت‌ها به صورت مستقیم در این مقوله وارد نشده و عملیاتی نمودن آموزش‌های کارآفرینی را به بخش خصوصی واگذار نمایند. فراهم کردن بستری مناسب برای تاثیر سرمایه‌گذاران غیررسمی به عنوان صاحبان اصلی کارآفرینی، در عرصه‌ی آموزش‌های کارآفرینی، افق‌های روشنی برای رفع کاستی‌های موجود و نهادینه شدن آموزش‌های کارآفرینی در مناطق روستایی استان گیلان فراهم می‌آورد.

کارآفرینی واژه‌ای است که نمی‌توان به مفهوم واقعی‌اش دست‌یافت (گلدوست و اللهیاری، ۱۳۹۱)، ولی اغلب تعریف‌های ارائه شده بیان‌کننده بروز ارزش‌آفرینی‌های اقتصادی و معنوی برای افراد، سازمان‌ها و جامعه بوده که با نهادینه شدن کارآفرینی به عنوان یک منش زندگی بی

آمدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد، و بسیاری از چالش‌های روز جامعه را مرتفع می‌سازد (لندستروم، ۲۰۰۴ و سلجوقی، ۱۳۸۹).

دیده بان جهانی کارآفرینی برای این منظور از تعریف هرگونه تلاش توسط افراد یا یک‌گروه کاری برای تصدی یک کسب و کار جدید، گسترش کسب و کار موجود و یا تأسیس یک کسب و کار استفاده می‌کند (دابسون، ۲۰۰۱). در تعریف‌های ارائه شده برای کارآفرینی به موردهایی برخورد می‌شود که در آن از کارآفرینی به عنوان یک فرآیند یادگیری یاد شده است. در این تعریف یادگیری و تبدیل آزموده‌های شخصی به دانش، بخش اصلی فرآیند کارآفرینی می‌باشد (کیاکجوری و روگرنژاد، ۱۳۸۸).

دیوید مک‌کلند، در بررسی رفتار کارآفرینان به این نتیجه رسید که روحیه انسان برای توفیق در دوران کودکی شکل می‌گیرد، ولی در عین حال، می‌توان با یک برنامه درست و بهینه آموزشی روحیه خلاق و رسالت‌کاری را در افراد به وجود آورد (گلدوست و اللهیاری، ۱۳۹۱).

با اهمیت پیدا کردن آموزش کارآفرینی، بستر مناسبی برای افزایش دانش و رشد فکری از راه تحصیلات رسمی و غیررسمی و بررسی میدانی به وجود آمد (کردنائیچ و همکاران، ۱۳۸۶)، به گونه‌ای که با راه‌اندازی رشته‌های آموزشی کارآفرینی از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ در چند دانشکده، که شمار آن‌ها تاکنون به بیش از ۵۰۰ دانشکده در ایالات متحده آمریکا و کانادا رسیده است، موج دوم کارآفرینی روند رو به رشد این پدیده را وارد مرحله جدیدی کرد (احمدپور داریانی، ۱۳۸۹ سلجوقی، ۱۳۸۹). اساسی‌ترین موضوع در خصوص آموزش کارآفرینی، این است که آیا کارآفرینی می‌تواند آموزش داده شود؟ وسپر (۱۹۹۰)، در یک بررسی میدانی از استادان آمریکایی دریافت که کارآفرینی می‌تواند آموزش داده شود.

در بررسی‌های پرشمار مشخص شد که نقش و مهارت کارآفرینانه می‌تواند از نظر تجربی و فرهنگی بدست‌آید. بنابراین، این نتیجه به دست آمد که کارآفرینی قابل آموزش بوده و با آموزش می‌تواند به افراد انتقال داده شود (کردنائیچ و همکاران، ۱۳۸۶). توجه به آموزش کارآفرینی بدون در نظر گرفتن تجربه‌ها و دست‌آوردهای دیگر

به کشورها و اصل‌های علمی و عملی آن ممکن است منجر به طولانی‌تر شدن مسیر و نیز اتلاف انرژی و افزایش هزینه شده و حتی گاهی نتیجه‌ای معکوس به بار آورد (سلجوقی، ۱۳۸۷). آلمان، انگلیس و آمریکا نخستین کشورهای هستند که در این زمینه کار کردند و به ترتیب گام‌هایی به پیش گذاشتند. در آلمان، در سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵، بررسی و شناسایی افراد جسور و نوآور و افراد با انگیزه‌ای که به طور تصادفی دارای محدودیت شدید مالی بودند، آغاز شد. نخستین سیاست‌ها، پشتیبانی از این افراد بود. به همین منظور نخستین آموزشکده برای تربیت این افراد در آن سال‌ها در این کشور ایجاد شد. این آموزشکده‌ها در انگلیس بین سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۰ و در آمریکا در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ دایر شدند. ژاپن در این زمینه به شکل رسمی (کلاسیک) کار کرد و نخستین مدرسه در توکیو در سال ۱۹۵۶ میلادی آغاز به کار کرد (ایمانی، ۱۳۸۸).

افراد و گروه‌های مختلفی با منش‌های مختلف تاکنون به آموزش کارآفرینی پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها بنیاد ملی آموزش کارآفرینی در سال ۱۹۸۷ است که توسط استیو ماریوتی بنیان‌گذاری شد و با معرفی بسته آموزشی NFTE آزموده‌های خود را با دانش‌آموزانی که در معرض خطر ترك تحصیل و یا افت تحصیلی قرار داشتند در هم آمیخت و دریافت که هنگامی که به جوانان کم‌درآمد فرصت داده می‌شود تا در مورد کارآفرینی آموزش ببینند، «مهارت‌های خیابانی» آنان به آسانی به «مهارت‌های دانشگاهی و علمی (آکادمیک)» و «مهارت‌های کسب و کار» تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، جوانان متوجه می‌شوند که آموخته‌های آنان در محیط کلاس با جهان واقعی در ارتباط است (سلجوقی، ۱۳۸۷).

آموزش کارآفرینی فرآیندی نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گرا است که به صورت خلاق افرادی که گرایش بیشتری به راه‌اندازی کسب و کار مستقل دارند را تربیت می‌کند (سعیدی و مهتدی، ۱۳۸۷).

در این نوع آموزش بر ارتقای مهارت‌های علمی و فنی مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره‌ی کسب و کار استفاده می‌شود تا برپایه نوع فعالیت، باعث افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین شود. این گروه از فعالیت‌ها، مهارت‌هایی چون گرایش

نکته‌ی مهم و قابل توجه در آموزش کارآفرینی این است که در آن، روش‌های رسمی و غیررسمی آموزش با هم ترکیب می‌شوند. روش‌های رسمی آموزش کارآفرینی چارچوب‌های نظری را برای افراد فراهم می‌کنند و روش‌های غیر رسمی آموزش کارآفرینی بر مهارت، نگرش و رفتار تمرکز کرده موجب ارتقای مهارت، توسعه نگرش و تغییر رفتار افراد می‌شوند و آموزش کارآفرینی، آگاهی و درک افراد در مورد فرآیند آغاز کسب و کار و روش اداره آن را افزایش می‌دهد (کردنائیچ و همکاران، ۱۳۸۶). برای تحقق این مهم، مفهوم‌های درس‌های مربوط به مرحله‌ی آگاهی، آغاز کسب و کار، بهره‌برداری و آغاز رشد در قالب درس‌های کارآفرینی برنامه‌ریزی و تدریس می‌شوند.

برای تنظیم برنامه‌ی آموزش کارآفرینی، تنظیم ساختار و مشخص کردن مرحله‌های تحقق آن بسیار با اهمیت می‌باشند. ایمانی (۱۳۸۸)، به نقل از ویلسون و سرورا (۱۹۹۴)، ساختار برنامه کارآفرینی را، بر پایه اصل‌های طراحی برنامه‌های آموزش بزرگسالان، دارای چند مرحله می‌داند که عبارتند از: ارزیابی نیازها، تعیین هدف‌ها و مأموریت‌های برنامه کارآفرینی، روش‌های آموزش کارآفرینی، روش طراحی برنامه آموزش کارآفرینی، آماده‌سازی هیات علمی و ایجاد مرکزهای کارآفرینی (نعمتی، ۱۳۸۸، کردنائیچ و همکاران، ۱۳۸۶).

افراد و گروه‌های مختلفی با منش‌های مختلف تاکنون به آموزش کارآفرینی پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها بنیاد ملی آموزش کارآفرینی در سال ۱۹۸۷ است که توسط استیو ماریوتی بنیان‌گذاری شد و با معرفی بسته آموزشی NFTE آزموده‌های خود را با دانش‌آموزانی که در معرض خطر ترك تحصیل و یا افت تحصیلی قرار داشتند در هم آمیخت و دریافت که هنگامی که به جوانان کم‌درآمد فرصت داده می‌شود تا در مورد کارآفرینی آموزش ببینند، «مهارت‌های خیابانی» آنان به آسانی به «مهارت‌های دانشگاهی و علمی (آکادمیک)» و «مهارت‌های کسب و کار» تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، جوانان متوجه می‌شوند که آموخته‌های آنان در محیط کلاس با جهان واقعی در ارتباط است (سلجوقی، ۱۳۸۷).

در این نوع آموزش بر ارتقای مهارت‌های علمی و فنی مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره‌ی کسب و کار استفاده می‌شود تا برپایه نوع فعالیت، باعث افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین شود. این گروه از فعالیت‌ها، مهارت‌هایی چون گرایش

در این نوع آموزش بر ارتقای مهارت‌های علمی و فنی مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره‌ی کسب و کار استفاده می‌شود تا برپایه نوع فعالیت، باعث افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین شود. این گروه از فعالیت‌ها، مهارت‌هایی چون گرایش

در این نوع آموزش بر ارتقای مهارت‌های علمی و فنی مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره‌ی کسب و کار استفاده می‌شود تا برپایه نوع فعالیت، باعث افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین شود. این گروه از فعالیت‌ها، مهارت‌هایی چون گرایش

در این کشور نگرش مثبتی نسبت به خود اشتغالی و کسب و کارهای کوچک وجود ندارد (غیاثوند و حسینی ۱۳۹۰، و مرادی نژاد و همکاران ۱۳۸۶).

در سال ۲۰۰۶، سازمان بین‌المللی کار پژوهشی با عنوان «تشویق کارآفرینی جوانان: بازدارنده‌ها و مشوق‌های راه اندازی کسب و کار توسط جوانان» انجام داد محدودیت‌های آموزشی ای برای کارآفرینی را در کنار نگرش فرهنگی و اجتماعی به کارآفرینی جوانان، دسترسی به منابع مالی برای راه اندازی کسب و کار، بازدارنده‌های اداری و قانونی و کمبودهای موجود در زمینه‌ی خدمات حمایتی توسعه‌ی کسب و کار را مهم‌ترین بازدارنده‌های راه اندازی کسب و کار توسط جوانان دانسته است (اسکوف، ۲۰۰۶).

محدودیت‌های آموزشی ای که در تحقیق مزبور به آن توجه شده است عبارتند از: ناآشنایی و پذیرش آموزش کسب و کار، برنامه آموزشی ناکافی، روشهای نادرست یادگیری، غفلت از محیط دانشجویان، نداشتن مدرسان آموزش دیده، نبود پیوند میان آموزش و کسب و کار و نبود زیربنای فناوری اطلاعات و ارتباطات.

در تحقیقی که در کشور فنلاند با استفاده از تحلیل عاملی انجام شده است، نداشتن مهارت را در کنار وضعیت زندگی، خطرپذیری اقتصادی، خطرپذیری اجتماعی، نداشتن تعهد، نبود منابع و نبود حمایت اجتماعی به عنوان مهم‌ترین بازدارنده‌های کارآفرینی در این کشور عنوان شده اند (ویسالیینن و پیکالا، ۲۰۰۰).

بسیاری از محققان در تحقیقات کارآفرینی خود عامل‌های موثر بر کارآفرینی را به دو گروه بیرونی و درونی تقسیم بندی می‌کنند (قمبرعلی و زرافشانی ۱۳۸۷). از جمله می‌توان به تحقیقات صمد آقایی (۱۳۷۷)، اشاره کرد که به بررسی بازدارنده‌های بیرونی و درونی تاثیر گذار بر کارآفرینی پرداخته است. وی فراهم نکردن آموزش‌های لازم در زمینه کارآفرینی برای کارکنان را در کنار تهدیدگرا بودن شرکت‌ها و ارایه نشدن فرصت‌های کافی به کارکنان برای پیگیری افکار جدید را از جمله بازدارنده‌های درونی تاثیرگذار بر کارآفرینی شرکت‌ها دانسته است.

هم‌چنین مهم‌ترین بازدارنده‌های بیرونی چون قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، زیاد بودن نرخ بیمه، قانون مالیات و عوارض، قانون صادرات و واردات، قوانین پولی

تحقق موردهای یاد شده در راستای ایجاد یک ساختار سازمانی نیرومند و با اعمال مدیریت مناسب در چند مرحله اساسی امکان توسعه برنامه‌های کارآفرینی را فراهم می‌سازد.

این مرحله‌ها، به نقل از استفنسون (۱۹۹۶)، عبارتند از: آگاهی و ارتقای شناخت در زمینه کارآفرینی، همسو کردن عامل‌های موثر در تحقق هدف‌های برنامه‌های کارآفرینی و چیرگی بر مقاومت‌های موجود، شیوه‌ی تدریس کارآفرینی، گسترش خدمات حمایتی، ایجاد شبکه، اتخاذ سیاست‌های حمایت از تحقیقات کارآفرینی برای پیش‌بینی سیاست‌های حمایتی مناسب و انتشار نتایج تحقیقات کارآفرینی برای سهیم شدن دیگران در تجارب و در پایان ارزیابی و بازنگری برنامه‌های کارآفرینی.

بررسی‌های انجام شده در ایالات متحده، اروپا و کشورهای جنوب شرقی آسیا نشان می‌دهند که اگر آموزش‌های کارآفرینی در کنار دیگر اقدام‌های ترغیب‌کننده و آسان‌کننده قرار گیرند، اثر بخشی قابل توجهی به وجود خواهند آورد (رحمتی و همکاران، ۱۳۸۹، زالی و رضوی، ۱۳۸۷). شناسایی بازدارنده‌ها و محدودیت‌های آموزشی توسعه کارآفرینی توجه بسیاری از محققان داخلی و خارجی را به خود جلب کرده است. دست‌آوردهای این تحقیق گویای آن است که عامل‌های مختلفی به عنوان بازدارنده‌های آموزشی توسعه کارآفرینی مطرح می‌باشند. از جمله تحقیقاتی که به طور مستقیم به بررسی وضعیت کارآفرینی و کسب و کار در جهان می‌پردازد، پژوهش‌های بانک جهانی است که هر سال با عنوان انجام کسب و کار ارایه می‌شود. در آخرین گزارش ارایه شده در سال ۲۰۱۴ ایران از نظر آسانی انجام کسب و کار دارای رتبه ۱۵۲، در بین ۱۸۳ کشور که نسبت به سال گذشته هفت پله پائین تراست. این آمار نشان دهنده‌ی تنگناها و بازدارنده‌های جدی کارآفرینی در ایران است (بانک-جهانی، ۲۰۱۴، ۲۰۱۳).

دیده بان جهانی کارآفرینی در پژوهشی که در سال ۲۰۰۰ انجام داده است، عمده‌ترین و اصلی‌ترین بازدارنده‌های رشد کارآفرینی در کشور انگلیس را ناشی از نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه و مردم دانسته زیرا

استفاده از نظرهای کارآفرینان برگزیده سومین جشنواره کارآفرینان برتر گزارش کرده است. در این تحقیق نداشتن مهارت لازم از جمله بازدارنده های ضد انگیزشی توسعه کارآفرینی در ایران شناخته شده است.

نعمتی (۱۳۸۹)، در پژوهشی چالش های توسعه کارآفرینی در کشور و دگرذیسی جامعه ایرانی به جامعه کارآفرین را مورد بررسی قرار داده است و آن ها را به چهارگروه: سیاست ها، برنامه ها و قوانین؛ ساختارها، نهادها و تشکیلات؛ منابع، امکانات و تجهیزات؛ و آموزش، فرهنگ و سرمایه انسانی طبقه بندی کرده است. نداشتن دانش، تجربه و مهارت مورد نیاز در کارآفرینان و ضعف در ارائه آن توسط مسولان، ضعف در آموزش های اثربخش و کاربردی در حوزه کارآفرینی در دانشگاه و جامعه و کیفیت کمینه ای دانش، نگرش، تخصص و مهارت دانش آموختگان دانشگاهی را نیز از جمله بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی مطرح شده که باعث شده فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه و صنعت و سپس کل جامعه نهادینه و درونی نشود و نبود باور مدیران به توسعه کارآفرینی بر شدت آن افزوده است.

موحدی و یعقوبی (۲۰۱۲)، با استفاده از فن دلفی بازدارنده ها و محدودیت های توسعه کارآفرینی زنان روستایی را بررسی کرده اند و عامل های درگیر در کارآفرینی زنان روستایی را در نه مورد شامل: بازدارنده های فردی، شخصیتی و رفتاری، خانوادگی، دانشی و تحصیلی، شرایط فرهنگی و اجتماعی، دسترسی به امکانات و خدمات، عامل های حقوقی و قانونی، عامل های مالی و اقتصادی، عامل های سازمانی و تشکیلاتی، شرایط جغرافیایی و عامل های محیطی، تقسیم بندی و گزارش کرده اند. این تحقیق دسترسی کم به امکانات آموزش و پرورش، تجربه کم کاری و سطحی از آموزش که زنان با آن روبرو هستند را بازدارنده های کارآفرینی زنان روستایی می داند.

هدف این پژوهش نیز شناسایی و تحلیل بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی در استان گیلان با استفاده از روش تحقیق کیفی دلفی فازی در استان گیلان می باشد.

### روش شناسی

جامعه آماری این تحقیق ۳۳ تن کارشناسان خبره

و بانکی، نبود امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری، دخالت دولت در همه ی امور اقتصادی کشور، دیوان سالاری شدید و روابط خارجی ایران با دیگر کشورها در توسعه نیافتن کارآفرینی نقش ایفا می کند.

در تحقیق مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶)، مهم ترین بازدارنده های توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه ای در ایران را به ترتیب اولویت سیاست گذاری، اقتصادی، پشتیبانی، آموزشی ترویجی، زیرساختی و فرهنگی دانستند. متغیرهای آموزش های ترویجی در این تحقیق عبارتند از: نبود خدمات مشاوره ای، برگزار نکردن نمایشگاه های بین المللی در کشور در مورد محصولات گلخانه ای، نبود برنامه های آموزشی و ترویجی در مورد روش صادرات محصولات، نبود اطلاع کافی در مورد چگونگی صادرات محصولات گلخانه ای، نبود اطلاع از بازارهای خارجی، نبود آموزش در مورد ایجاد گلخانه های استاندارد، نداشتن اطلاعات کافی از بازار داخلی، نبود آموزش های فنی در مورد محصولات گلخانه ای و نبود آموزش های مهارت های کارآفرینانه.

غیاثوند غیائی و حسینی (۱۳۹۰)، بازدارنده ها و محدودیت های توسعه اشتغال در تعاونی های تولیدی کشاورزی ایران را با استفاده از تحلیل عاملی مورد بررسی قرار داده و به ترتیب عامل های اطلاع رسانی، فنی، مالی، ساختاری، بازاریابی و فروش، مدیریتی و قانونی را گزارش کردند.

در این تحقیق از بازدارنده های آموزشی کارآفرینی چون ایجاد نشدن مرکزهای مشاوره برای راهنمایی و رفع بحران های بیکاری شرکت های تعاونی برای ایجاد فضا برای فعالیت های دانش آموختگان دانشگاه ها و مرکزهای آموزش عالی، استفاده نکردن از رسانه های جمعی چون رادیو و تلویزیون برای آموزش کارآفرینی، ضعف سامانه اطلاع رسانی و ارتباطات در محیط های کشاورزی و ارایه نشدن آموزش های لازم به مردم در زمینه ماهیت، هدف ها، کارکردها و ویژه گی های تعاونی ها، یاد شده است.

زالی و رضوی (۱۳۸۷)، در تحقیقی به بررسی بازدارنده های توسعه کارآفرینی در ایران پرداخته و آن ها را در سه بعد بررسی عامل های ضد انگیزشی کارآفرینی، بازدارنده های قانونی توسعه کارآفرینی و ارزیابی محیط کسب و کار با

نوعی و بارز منطبق بر جامعه آماری الگوی طراحی شده در تحقیقات دیده بان جهانی کارآفرینی و مدل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی طراحی شده در نقشه راه کارآفرینی روچا و بیرکینشو (۲۰۰۷)، به گونه ای استفاده شد که افراد گزینش شده دیدگاهی داشته باشند که برآیند نظرهای آنان بیان کننده ی فضایی باشد که محدودیت های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی در استان گیلان را ترسیم کند. در حین انجام بررسی به روش گلوله برفی (افراد معرفی شده از سوی نمونه های نوعی و بارز) افراد جدیدی شناخته شده و معرفی می شدند که با مراجعه به آنان و مطابقت دادن ویژگی های آنان با هدف های تحقیق به جامعه آماری افزوده شدند.

و اندازه نمونه و فرآیند گردآوری داده ها تا سطح اشباع نظری یا آستانه سودمندی اطلاعات قابل دسترس ادامه یافت (شریف زاده، ۱۳۸۸؛ زالی، ۱۳۸۶). البته میل به هم رنگی و هم شکلی که در نتیجه ی تعامل رو در روی پاسخگویان حاصل می شود از رایج ترین نارسایی ها در اجرای این روش می باشد. برای این منظور موقعیتی فراهم شد تا اظهار نظرهای تک تک پاسخگویان به صورت فردی گرد آوری شود ولی در نهایت برای رسیدن به توافق جمعی در دور نهایی از تحلیل جمعی استفاده شد.

در دور نخست تحقیق، داده های مورد نظر به دو روش با توزیع یک پرسشنامه نیمه ساختارمند به صورت حضوری و رایانامه، با پرسش های باز پاسخ در بین ۳۶ نمونه ی آماری و با مطرح کردن پرسش «مهم ترین بازدارنده های توسعه آموزش کارآفرینی روستایی در استان گیلان چیست؟» در اختیار پاسخگویان قرار داده شد. برای برخورداری از نظرهای روستاییان، شرایطی فراهم شد که شماری از افراد گروه تحقیق در نشستی که در بین روستائیان پیشرو استان گیلان برگزار شد شرکت کنند، تا با الگو گرفتن از نظر مردم در ارتباط با بازدارنده های توسعه کارآفرینی در استان گیلان، هر کدام نظر خود را به صورت مستقل و همسو با دیگر اعضای گروه در اختیار تحقیق قرار دهند.

در پایان این مرحله، از ۳۶ پرسشنامه برگشتی توسط یک گروه کارشناسی آشنا به شیوه ی تحقیق و دارای پیشینه در تحلیل محتوای کیفی موضوع ها، مهم ترین بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی در

و هیأت علمی کارآفرینی دانشگاهی استان گیلان بود که در گزینش هدفمند آنها سعی شده با در نظر گرفتن قابلیت های استان گیلان منطبق بر جامعه آماری ای که دیده بان جهانی کارآفرینی از بین متخصصان و کارآفرینان برای ارزیابی فعالیت های کارآفرینی خود تعریف کرده است (زالی، ۱۳۸۶)، به گونه ای استفاده شود، که نظر کارشناسان مختلف روستاشناس، روانشناس، اقتصاد، جامعه شناسی و مدیریت در ارتباط با مولفه های تاثیرگذار در توسعه آموزش های کارآفرینی در روستاهای استان گیلان فراهم شود.

ترکیب جامعه آماری تحقیق در پایان مرحله دوم

موقعیت	زمینه فعالیت	شمار
کارآفرینان	SME صاحبان	۲
	کشاورزی	۱
	خانگی	۲
استادان دانشگاه	کارآفرین	۲
	روستا شناس	۳
	مدرس کارآفرینی	۲
کارشناسان	آموزش کارآفرینی	۴
کارشناسان	سیاست گذار کارآفرینی	۶
کارشناسان	مجری کارآفرینی	۴
کارشناسان	عملیاتی	۳
	مشاوره شغلی	۱
	مشاور خانواده	۳
جمع		۳۳

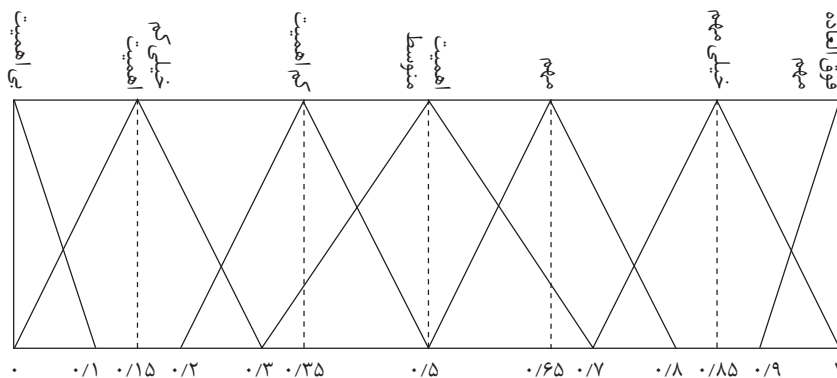
این پژوهش از منظر دیدمان (پارادایم) تحقیق جزو تحقیقات کیفی به شمار می آید که با رویکرد نیاز سنجی تشخیصی یا آسیب شناسانه و با هدف اکتشاف، با استفاده از فن دلفی برای رسیدن به اجماع نظرهای یک گروه کارشناسی (کانر و گردی رابرتس، ۲۰۱۳) انجام شد. در این تحقیق از مصاحبه و پرسشنامه به صورت ترکیبی برای گردآوری داده ها به صورت تدریجی و مرحله به مرحله در راستای هدف های تحقیق استفاده شده است.

بنا به ویژگی فن دلفی، این تحقیق در دو مرحله اصلی مشتمل بر چندین مرحله به منظور کسب نقطه نظرها تا رسیدن به اشباع نظری و غنای مفهومی و استفاده از ضرب هماهنگی کندال W برای پایان گردآوری داده ها انجام شد. در انجام تحقیق از نمونه گیری هدفمند موردهای

هماهنگی کندال W استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به شماری از افراد. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می توان همبستگی رتبه ای میان چند مجموعه رتبه را یافت. چنین مقیاسی به ویژه در بررسی های مربوط به «روایی میان داوران» سودمند است.

این مقیاس بین ۰ و ۱ متغیر است. اگر ضریب کندال صفر باشد یعنی نبود توافق کامل و اگر یک باشد یعنی وجود توافق کامل (رضادوست، ۱۳۸۹). اطلاعات به دست آمده در مرحله ی دوم با استفاده از نرم افزار SPSS 16 آزمون شد تا با مشخص شدن ضریب هماهنگی کندال زمان به پایان رسیدن مراحل این تحقیق مشخص شود. برای تحلیل و اولویت بندی بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی در استان گیلان از روش غربال سازی اعداد فازی مثلثی استفاده شد تا ضمن مشخص شدن میزان اهمیت هر شاخص، با اهمیت ترین آنها نیز مشخص شود.

محاسبه با عددهای فازی به دلیل ساختار ویژه آن ها بسیار زمان بر و پیچیده می باشد. برای آسانی و کاربردی نمودن، عددهای فازی ویژه ای در محاسبه به کار گرفته می شود. این عددها به صورت عددهای زنگوله ای، دوزنقه ای، مثلثی، L-R، مثلثی و L-R دوزنقه ای هستند. یک عدد فازی مثلثی را می توان با سه حد مرتب (I,m,n) نمایش داد که I حد پایینی، m حد میانی و n حد بالایی هستند.



نگاره ۱- نمایش عددهای فازی مثلثی برای گزینه های هفت گانه

به هر یک از گزینه ها یک عدد مثلثی فازی بین ۰ تا ۱ مانند نگاره ۱ تخصیص داده شد. از آنجا که برای محاسبه مقدار ثابت ماتریس نیاز

استان گیلان را به اتکای نظرهای افرادی که در این زمینه در استان گیلان نقش ایفا می کنند و در این تحقیق مشارکت کرده اند، تقسیم بندی شدند تا ضمن بیان نظرهای افراد، اطلاعات استخراج شده مبنای مرحله ی دوم تحقیق نیز قرار داده شود.

در مرحله دوم تحقیق پرسشنامه ای که از نتایج مرحله نخست به دست آمد، در بین همه پاسخگویان مرحله نخست توزیع شد و از آنان خواسته شد تا نظر خود را در ارتباط با میزان اهمیت هر کدام از بازدارنده های آموزش توسعه کارآفرینی در استان گیلان اعلام کنند تا در این ساختار معیار همانندی برای داوری درباره اهمیت هر یک از مقوله ها به دست آید.

برای پرهیز از پیچیدگی زیاد، پاسخ هر پرسش از پرسشنامه به صورت پیوستار هفت گزینه ای با مقیاس ترتیبی از الف (بسیار بسیار مهم، ب) خیلی مهم، ج) مهم، د) اهمیت متوسط، ه) کم اهمیت، و) خیلی کم اهمیت، ز) بی اهمیت تعیین شد. پس از گردآوری پرسشنامه ها شرایط لازم برای تجزیه و تحلیل داده ها در بین ۳۳ (۹۱/۶۶ درصد) نفر از کسانی که در این مرحله شرکت کردند فراهم شد و سه نفر از شرکت در این مرحله انصراف دادند.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در این تحقیق از شاخص های آماری توصیفی چون فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار استفاده شده است. در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر گروه سنجش، از ضریب

پس از گردآوری پرسشنامه ها از آنجا که پاسخ ها به صورت عددهای هفت گزینه ای از بسیار بسیار مهم تا بی اهمیت قید شده بود، برای تبدیل این عددها به عددهای فازی قطعی

است که با استفاده از آن اعداد فازی یادشده به اعداد قطعی معادل شده که در جدول ۱ تبدیل می شوند (صوفی، ۱۳۹۱ و محقر و همکاران، ۱۳۸۵).

به عدد قطعی است، باید پس از تطبیق هر شاخص با عددهای فازی و تخصیص سطح زبانی، باید عددهای فازی به عددهای کمی قطعی، تبدیل شوند. یکی از روش های پرکاربرد استفاده از فرمول مینکووسکی ( $x = m + \frac{\beta - \alpha}{4}$ )

### جدول ۱- تبدیل عددهای فازی مثلثی به عددهای قطعی

گزینه	عدد کیفی	عدد فازی مثلثی	عدد فازی قطعی شده
الف	بسیار بسیار مهم	(۱، ۰/۱، ۰)	۰/۹۷۵
ب	خیلی مهم	(۰/۸۵، ۰/۱۵، ۰/۱۵)	۰/۸۵
ج	مهم	(۰/۶۵، ۰/۱۵، ۰/۱۵)	۰/۶۵
د	اهمیت متوسط	(۰/۵، ۰/۲، ۰/۲)	۰/۵
ه	کم اهمیت	(۰/۳۵، ۰/۱۵، ۰/۱۵)	۰/۳۵
و	خیلی کم اهمیت	(۰/۱۵، ۰/۱۵، ۰/۱۵)	۰/۱۵
ز	بی اهمیت	(۰، ۰، ۱)	۰/۰۲۵

W=۰/۱۱۹، می باشد، که بیانگر میزان توافق بین افرادی است که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند. این شرایط ضرورت انجام دلفای مرحله بعدی را منتفی می سازد.

در این مرحله میانگین و انحراف معیار هر یک از شاخص ها مشخص شد. با الگو برداری از روش غریبال سازی اعداد فازی مثلثی امتیاز وزن نرمال شده (W) هر شاخص به دست آمد که نتایج آن به ترتیب الویت در جدول ۲ آمده است. بنا بر نتایج به دست آمده مهم ترین بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی در استان گیلان عبارتند از:

نداشتن شناخت مسئولان اجرایی استان از مفهوم کارآفرینی (W=۱۳/۹۰، M=۶/۱۵)، نداشتن نظام آموزش کارآفرینی (W=۱۳/۴۴، M=۵/۹۶) و ناآشنایی مردم روستا با اصول طراحی و راه اندازی کسب و کارهای جدید و کارآفرینانه (W=۱۳/۳۵، M=۵/۹۰).

پس از گردآوری داده ها، با ضرب کردن شمار پاسخ های به دست آمده برای هر شاخص در عددهای فازی قطعی و تقسیم نتیجه بر شمار پاسخ دهندگان، وزن (میانگین) هر شاخص به دست می آید. با تقسیم کردن وزن هر شاخص بر مجموع وزن شاخص ها، وزن عادی (نرمال شده) به دست می آید (دقیقی و همکاران، ۲۰۱۴).

### یافته ها

اطلاعات به دست آمده در مرحله دوم با استفاده از نرم افزار SPSS 16 پردازش و ضریب همبستگی کندال برای بازدارنده ها محاسبه گردید. نتایج به دست آمده از این آزمون بیان کننده این مطلب است که مقدار ضریب W کندال برای بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی در مرحله دوم تحقیق از دیدگاه نمونه آماری این تحقیق  $p < 0/05$

### جدول ۲- وزن بازدارنده های آموزشی با اعداد فازی

ردیف	بازدارنده های آموزشی	میانگین	انحراف معیار	میزان اهمیت	*W
۱	نداشتن شناخت مسئولان اجرایی استان از مفهوم کارآفرینی	۶/۱۵	۱/۰۶	۰/۸۴	۱۳/۹۰
۲	نبود نظام آموزش کارآفرینی برای ترویج دانش، آگاهی، نگرش، تخصص، مشاوره و ...	۵/۹۶	۰/۹۵	۰/۸۱	۱۳/۴۴
۳	ناآشنایی طراحی کسب و کار	۵/۹۰	۰/۸۷	۰/۸۱	۱۳/۳۵
۴	نبود بررسی ها اجتماعی	۵/۵۷	۱/۲۵	۰/۷۵	۱۲/۳۶
۵	نبود محیط پرورش و تجاری سازی ایده های کارآفرینانه	۵/۵۴	۱/۰۳	۰/۷۵	۱۲/۳۱
۶	نبود برنامه برای تقویت فرهنگ کارآفرینی	۵/۴۵	۱/۳۰	۰/۷۳	۱۲/۰۷
۷	نبود دسترسی به فناوری	۵/۳۳	۱/۱۶	۰/۷۱	۱۱/۶۷
۸	نداشتن باور به کسب و کارهای کوچک	۵/۰۳	۱/۵۹	۰/۶۶	۱۰/۸۸



### بحث و نتیجه گیری

بنا بر نتایج به دست آمده از این تحقیق نداشتن شناخت مسولان اجرایی استان از مفهوم کارآفرینی را از مهم ترین بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی در استان گیلان می داند که این نتیجه با نتایج به دست آمده از تحقیقات نعمتی (۱۳۸۹)، هم خوانی دارد. این موضوع نشان دهنده ی نقش مسولان اجرایی استان در نهادینه شدن آموزش های کارآفرینی در استان گیلان است که اگر مهیا شود شاید بتواند بستر مناسبی برای آموزش کارآفرینی و ورود سرمایه گذاران غیررسمی (بای گرایو و کویل، ۲۰۰۷) فراهم نماید.

نبود نظام آموزش کارآفرینی برای ترویج دانش، آگاهی، نگرش، تخصص، مشاوره و مهارت مورد نیاز کارآفرینی، در قشرهای مختلف جامعه ی روستایی گیلان از جمله بازدارنده های اساسی افزایش گرایش به سمت کارآفرینی است که این نتیجه با تحقیقات نعمتی (۱۳۸۹)، مطابقت دارد که بر اثربخش و کاربردی نبودن آموزش ها در دانشگاه و جامعه تأکید نموده است.

ناآشنایی روستائیان با اصول طراحی و راه اندازی کسب و کارهای جدید و کارآفرینانه، سومین اولویت از بازدارنده های آموزشی کارآفرینی در استان گیلان است که با تحقیقات (اسکوف، ۲۰۰۶)، نیز هم خوانی دارد. تدوین طرح کسب و کار یکی از مهم ترین ارکان نهادینه شدن فرهنگ کارآفرینی در جامعه است که بسیاری از افراد روستایی مهارت تنظیم آن را ندارد. در این شرایط است که جامعه روستایی نمی تواند از برتری های طراحی و راه اندازی کسب و کار استفاده کند. این قابلیت به مدیر یا کارآفرین کمک می کند که جنبه های پیشرفت پروژه یا کسب و کارش را مشخص، متمرکز و بررسی کند.

یک چهار چوب منطقی و حساب شده برای توسعه یک حرفه ایجاد کند و تدبیرهای مربوطه به آن حرفه را در چند سال آینده دنبال کند. از این طرح به عنوان ماخذ و مبنایی برای مذاکره با اشخاص سوم مانند سهام داران، دفترهای نمایندگی، بانک ها، سرمایه گذاران و غیره استفاده کند و از آن به عنوان معیاری برای سنجش وضعیت واقعی کسب و کار در برابر آنچه که باید باشد، ارایه دهد.

بررسی های اجتماعی امکان تعامل انسان با محیط های

گونگون را در جنبه ها و رشته های پرشماری فراهم می سازد. برنامه ریزی فعالیت های کارآفرینانه بدون شناخت کافی از متغیرهای اجتماعی مقدور نبوده و از آن به عنوان یکی از بازدارنده های توسعه کارآفرینی در استان گیلان می توان نام برد. در صورت افزایش اطلاعات در این مقوله به نظر می رسد جامعه به سمتی هدایت شود که استان گیلان بتواند توانایی های خود را در زمینه بروز کارآفرینی اجتماعی افزایش دهد.

مرکزهای کارآفرینی در فرآیند دیدگاه تا تولید محصول و تجاری سازی آن به عنوان رکن مهم توسعه ی فناوری و کارآفرینی دانش بنیان نقش ارزنده ای دارند. نبود مرکزهای کارآفرینی نقش بسیار زیادی در توسعه نیافتن کارآفرینی در جامعه ی روستایی استان گیلان دارد که در این تحقیق رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

نداشتن برنامه ریزی آموزشی لازم به منظور ترمیم فرهنگ جامعه به سمت تقویت فرهنگ کارآفرینی یکی دیگر از بازدارنده های آموزشی توسعه کارآفرینی در جامعه های روستایی استان گیلان است. امکان دسترسی آسان به فناوری، علوم جدید و دانشی که با راه اندازی یک طرح کارآفرینانه در استان گیلان وجود ندارد.

نداشتن باور به کسب و کارهای کوچک به عنوان ابزار پیشرفت توسعه کارآفرینی در روستاهای استان گیلان از دیگر بازدارنده های توسعه کارآفرینی است این نتیجه با نتایج تحقیقات دیده بان جهانی کارآفرینی (۲۰۰۰)، در کشور انگلستان که عمده ترین و اصلی ترین بازدارنده رشد کارآفرینی در این کشور را ناشی از نگرش های منفی فرهنگی و اجتماعی جامعه و مردم نسبت به خوداشتغالی و کسب و کارهای کوچک دانسته است همخوانی دارد (غیاثوند و حسینی ۱۳۹۰ و مرادی نژاد و همکاران ۱۳۸۶).

بر پایه یافته های پژوهش، تبیین الگوی پرورش مدیران آشنا با این حوزه علمی نقش بسیار مهمی در توسعه کارآفرینی در استان گیلان به صورت عام و رفع بازدارنده های آموزشی به عنوان اصلی ترین نیاز تحقق جامعه کارآفرین به صورت خاص ایفاء می نماید. در این الگو تعیین نیازها، هدف ها و برنامه های آموزشی مورد نیاز مدیران اجرایی یکی از اساسی ترین نیازهای طراحی الگو خواهد بود، که شرایط بسیار مناسبی برای گسترش این علم به نفع صاحبان اصلی

این مراکزها چون بسیاری از کشورهای دنیا، توسط افراد علاقمند به کارآفرینی با محوریت بخش خصوصی که از امکانات فیزیکی، فنی و مالی طبق استانداردهای موجود برخوردار باشند ضرورت دارد.

### پی‌نوشت‌ها

1- National Foundations for Teaching Entrepreneurship (NFTE)

کارآفرینی به وجود خواهد آورد. از طرف دیگر، تدوین و تنظیم نظام جامع آموزشی برای قشرهای مختلف جامعه روستایی استان گیلان با در نظر گرفتن تمامی مولفه‌های تاثیرگذار در آموزش کارآفرینی منجر به طراحی یک الگوی بومی آموزش کارآفرینی با توجه به شرایط استان گیلان خواهد شد. هم‌چنین بر پایه یافته‌های این پژوهش تقویت ایجاد مراکزهای کارآفرینی در روستاهای استان گیلان با محوریت دهداری‌ها و تقویت جامعه به سمت مسیری که

### منبع‌ها

- احمدپورداریانی، م (۱۳۸۹)، کارآفرینی تعاریف، نظریات، الگوها. ناشر، جاجرمی، چاپ نهم (دوم ناشر).
- ایمانی، م (۱۳۸۸) آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها: (چهارچوبی برای برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های کارآفرینی). فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره ۱ صص ۲۷-۵۰.
- دلجوی شهیر، ج (۱۳۹۱)، نقش سرمایه‌های اجتماعی و کارآفرینی در اشتغال، نظم و امنیت. مجموعه مقالات اولین همایش ملی اشتغال، نظم و امنیت ۴ خرداد ۱۳۹۱، دانشگاه گیلان.
- رحمتی، م. ح. مقیمی، س. م. و الوانی، س. م. (۱۳۹۰)، تحلیل نظام خط‌مشی‌گذاری برای آموزش غیررسمی کارآفرینی در ایران. نشریه توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره نهم، صص ۷-۳۵.
- رضادوست، ح (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر عدم توفیق صنعت چای در استان گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
- رکن‌الدین افتخاری، ع و سجاسی قیداری، ح (۱۳۸۹)، توسعه روستایی با تاکید بر کارآفرینی: تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات. تهران: انتشارات سمت.
- زالی، م. ر. و رضوی، س. م. (۱۳۸۷)، موانع توسعه کارآفرینی در ایران، تهران: انتشارات دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
- زالی، م. ر. (۱۳۸۶)، معرفی دیده بان جهانی کارآفرینی (GEM)، تهران: انتشارات دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.
- سلجوقی، خ (۱۳۸۹)، فرهنگ کارآفرینی، کارآفرینی فرهنگی، اهمیت، ضرورت و جایگاه آن در افق ۱۴۰۴ ج ۱. ۱. ۱. مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی در ایران ۱۴۰۴، ۱۵ اسفند ۱۳۸۹، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
- سلجوقی، خ (۱۳۸۷)، طرح جامع توسعه کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی
- سعیدی مهرآباد، م و مهتدی، م. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه (مطالعه موردی: آموزش‌های کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی). نشریه توسعه کارآفرینی، ۱ (۲)، ۷۴-۵۷.
- شریف‌زاده، ا؛ محبوبی، م. ر. و عربیون، ا (۱۳۸۸)، تبیین مولفه‌های توسعه کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان. فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۱۲ - ۸۵.
- شفقت، ا؛ درویش، ح؛ نامدار علی‌آبادی، ع و غلامی، ر (بدون تاریخ)، ارایه الگوی کارآفرینی روستایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی. چکیده مقالات همایش توسعه پایدار روستایی با تاکید بر بخش کشاورزی صص ۲۸۰ - ۲۷۰.
- صمدآقایی، ج (۱۳۷۷)، شناخت بستر سازمانی مناسب برای جذب و رشد کارآفرینان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سازمان مدیریت صنعتی.
- صوفی سیاوش، ص (۱۳۹۱)، سنجش میزان آمادگی آموزش الکترونیک در دانشگاه با استفاده از روش فازی مورد مطالعه

دانشگاه گیلان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

غیاثوند غیائی، ف و فرج الله حسینی، س. ج (۱۳۹۰)، تحلیل موانع و محدودیت های توسعه اشتغال در تعاونی های تولیدی کشاورزی ایران. پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۱۴-۱.

قمبر علی، ر و زرافشانی، ک (۱۳۸۷)، شناسایی شاخص های موفقیت کارآفرینان روستایی با استفاده از تحلیل مقیاس بندی چند بعدی. توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۶۰-۱۳۱.

کردنائیج، ا؛ احمدپور داریانی، م و دلخواه، ج (۱۳۸۶)، طراحی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه های کارآفرینی در کشور، دانشور رفتار. سال، شماره ۲۳ صص ۱۰۸-۹۱.

کیاکجوری، ک؛ روگرد نژاد، ف (۱۳۸۸)، آرایه چهارچوب مفهومی از فرآیند یادگیری کارآفرینانه. مجله مدیریت توسعه و تحول، ۳، صص ۵۲-۴۳.

گلدوست، م و اللهیاری، م. ص (۱۳۹۱)، نقشه راه مبارزه با فقر در چشم انداز توسعه جوامع روستایی. مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی ۱۴ و ۱۵ شهریور ۱۳۹۱، دانشگاه گیلان.

لندسترم، هانس (۲۰۰۴)، پیشگامان تحقیقات کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک. مترجم آراستی، زهرا (۱۳۸۷). دانشکده فنی و مهندسی گلپایگان. انتشارات سایه-بان.

محقر، ع؛ ناصرزاده، س م ر؛ نصرالهی، م و حق نظر، م. ع (۱۳۸۵) برآورد وزن شاخص های مدل سرامدی EFQM در صنعت خودرو ایران. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت ۲۸ تا ۳۱ آذر ماه ۱۳۸۵، تهران.

مراد نژادی، ه؛ شعبانعلی قمی، ح؛ ایروانی، هوش؛ حسینی، س. م و کافی، م (۱۳۸۶)، تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه ای در ایران. مجله علوم کشاورزی ایران، سال ۲-۳۸ شماره ۲، صص ۱۸۴-۱۷۵.

موسوی بازرگانی، س ج (۱۳۸۶)، مولفه های کارآفرینی. تهران. مرکز رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی. انتشارات سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.

نعمتی، م. ع (۱۳۸۸)، کارآفرینی و بنگاه های صنعتی، فناوری کوچک و متوسط: محدودیت ها و راهکارها. پژوهش نامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک شماره ۴۳. صص ۲۱۸-۱۸۳.

نعمتی، م ع (۱۳۸۹)، چالش ها و چشم اندازهای تحقق جامعه کارآفرین در ایران ۱۴۰۴، مجموعه مقالات مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی در ایران ۱۴۰۴، ۱۵ اسفند ۱۳۸۹، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

Bygrave, W., Camp, S., Hey, M., & Reynolds, P. (2007). Global entrepreneurship monitor: 2006 financing report. London Business School.

Conner, N., & Roberts, T. G. (2013). Competencies and Experiences Needed by Pre-service Agricultural Educators to Teach Globalized Curricula: A Modified Delphi Study. *Journal of Agricultural Education*, 54(1), 8-17.

Dabson, B. (2001). Supporting Rural Entrepreneurship. Exploring Policy Options for a New Rural America, 35-48.

Daghighi Masouleh, Z., Allahyari, M.S., and Ebrahimi Atani, R., (2014). Operational Indicators for Measuring Organizational e-readiness based on Fuzzy logic: A challenge in the Agricultural Organization of Guilan Province, Iran. *Information Processing in Agriculture* (2014), <http://dx.doi.org/10.1016/j.inpa.2014.11.002>

Movahedi, R., and Yaghoubi-Farani, A. (2012). Analysis of the Barriers and limitations for the development of Rural women's entrepreneurship. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 15(4), 469-487.

- Rocha, H., and Birkinshaw, J. (2007). Entrepreneurship Safari. Now Publishers, Incorporated.
- Schoof, U. (2006). Stimulating youth Entrepreneurship: Barriers and Incentives to Enterprise Start-ups by young people (No. 388157). International Labor Organization.
- Vesalainen, J., and Pihkala, T. (2000, July). Barriers to Entrepreneurship: Educational Opportunities. In IntEnt (pp. 3-18).
- World Bank (2004). Islamic Republic of Iran: An Agricultural Policy note. World Bank Group Report No. 29428 – Ir. Washington DC: World Bank.
- World Bank (2013) The International Bank for Reconstruction and Development The World Bank. Iran, Islamic Rep Doing Business 2013 <http://www.Doingbusiness.org>
- World bank (2014) The International Bank for Reconstruction and Development The World Bank Iran, Islamic Rep (Doing Business 2013 <http://www.Doingbusiness.org>

## Fuzzy Screening of Educational Deterrents to Rural Entrepreneurship Development in Guilan Province, Iran

M. Goldoost<sup>1</sup>, M.S. Allahyari<sup>2</sup>, M. Abedi<sup>3</sup>

1 M.Sc. Graduate Student of Agricultural Management, Islamic Azad University, Rasht, Iran

2 Associate Prof. Department of Agricultural Management, Islamic Azad University, Rasht, Iran

3 Assistant Prof. Department of Agricultural Management, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran

### Abstract

The main purpose of this study was to determine and analyze educational deterrents of rural entrepreneurship development in Guilan Province, using screening Fuzzy method. To accomplish this objective, Delphi technique to obtain group consensus was employed. The study used two mailed questionnaires. The first round of the study used a questionnaire with an open-ended question. In the second questionnaire, respondents were asked to rate the items identified in first round on a seven-point Likert-type scale. The population for this study consisted of the rural entrepreneurship experts and universities' faculty members (n=33). Kendall's coefficient of concordance (W) was used to measure consensus among the experts at the end of the research rounds. Priority setting, in terms of their importance was taken by screening Fuzzy method. The results revealed that variables: "lack of entrepreneurship knowledge among provincial authorities" and "lack of rural awareness about principals of designing and complementing variety of profitable businesses" were factors causing sudden development of rural entrepreneurship development alleviation in Guilan Province. Analyzing the educational deterrents influencing entrepreneur development in rural area of Guilan makes it possible to gain the road map of entrepreneurship, and creating a better and more appropriate entrepreneurial opportunities.

**Index Terms:** Entrepreneurship education, entrepreneurship, development, screening Fuzzy method, entrepreneurship deterrents.

**Corresponding Author:** M. S. Allahyari

**Email:** allahyari@iaurasht.ac.ir

**Received:** 1/2/2014 ; **Accepted:** 15/10/2014